خبر

درخواست آزادی برای ایرانیان زندانی:
۲۹۰ ایرانی در ترکمنستان زندانی اند

نماینده مردم شهرستانهای غرب استان گلستان در مجلس شورای اسلامی خواستار آزادی ۲۹۰ ایرانی از زندان های ترکمنستان شد. رامین نورقلی پور در شورای اداری شهرستان های غرب گلستان شامل کردکوی، بندرگز، گمیشان و بندرترکمن که با حضور علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی برگزار شد؛ گفت: مشکل ۲۹۰ ایرانی زندانی در کشور ترکمنستان که تعدادی از آنها ماهی گیران این استان هستند؛ با امضای تفاهم نامه و رایزنی با مقامات این کشور همسایه برطرف می شود. به گزارش ایرنا برخی از ماهی گیران گلستان در همسایگی ترکمنستان هنگام صید ناخواسته و بر اساس عواملی همچون طوفان و گم کردن مسیر وارد مرزهای آبی کشور همسایه شده و توسط مرزبانان دریایی ترکمن دستگیر می شوند. نماینده غرب گلستان اظهار کرد: برخی از این زندانیان ایرانی بیش از ۱۰ سال در ترکمنستان گرفتار شده اند و تاکنون همه تلاش ها برای رهایی و یا انتقال آنها به ایران بی نتیجه مانده است. نورقلی پور بیان کرد: با همکاری وزارت امور خارجه کشورمان و برگزاری جلسه مشترک با طرف ترکمنستانی تفاهم نامه ای امضا شده است که امیدواریم نتیجه آن پایان یافتن این مشکل چندین ساله باشد. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس همچنین به مشکلات و نیازهای اصلی مردم گلستان اشاره کرد و گفت: طرح تصویب و راه اندازی منطقه آزاد تجاری اینچه برون که با پیشنهاد و درخواست دولت به مجلس رفته و یک فوریت آن نیز به تصویب رسیده است می تواند زمینه ساز ایجاد تحول در اشتغال و درآمد مردم منطقه باشد.

نورقلی پور با اشاره به برخی اظهارات که بر پایه آن مطالعه انتقال آب دریای خزر به مناطق مرکزی ایران آغاز شده است؛ آن را غیرعلمی و آسیب رسان عنوان کرد و ابراز داشت: در صورت اجرای این طرح مشکلات زیادی از جمله احتمال شوره زار شدن زمین ها برای ساحل نشینان ایجاد می شود. وی بر اجرای طرح توسعه گردشگری در جزیره آشوراده به عنوان مصوبه هیات دولت در سفر سال ۹۳ رییس جمهوری به استان گلستان اشاره کرد و گفت: باوجود دستور قاطع دکتر روحانی به سبب تعلل سازمان حفاظت محیط زیست؛ اجرای این طرح با توقف مواجه است. به گزارش ایرنا بر اساس طرح گردشگری آشوراده به عنوان تنها جزیره ایرانی دریای خزر قرار است با حفظ طبیعت این جزیره در بخشی از آن زیرساخت هایی برای جذب گردشگر ایجاد شود. نماینده مردم غرب گلستان در مجلس شورای اسلامی همچنین با انتقاد از این که هزینه تولید در کشور بالا است، گفت: فعالان اقتصادی از وضعیت تولید ناراضی هستند.

پیگیری پرداخت ۱۰ درصد سود وام بافت های فرسوده از محل یارانه ها

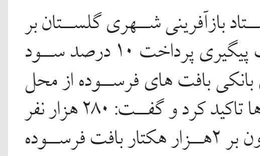

دبیر ستاد بازآفرینی شهری گلستان بر ضرورت پیگیری پرداخت ۱۰ درصد سود وام های بانکی بافت های فرسوده از محل یارانه ها تاکید کرد و گفت: ۲۸۰ هزار نفر در افزون بر ۲هزار هکتار بافت فرسوده استان زندگی می کنند. ابراهیم مبارک قدم در این نشست همچنین خواستار پذیرش سند جایگزین برای املاک فاقد سند اغلب شهرهای استان شد و در تشریح وضعیت محلات هدف استان و ضرورت ساماندهی و بازآفرینی آنها، اظهار داشت: معادل ۳۰ درصد از جمعیت یک میلیون و ۹۰۰هزار نفری گلستان در این مناطق سکونت دارند. مدیرکل راه و شهرسازی گلستان اضافه کرد: بافت های فرسوده حدود ۱۴/۱ درصد از مساحت شهرهای استان را در برگرفته است. وی، جلوگیری از رشد حاشیه نشینی و ساماندهی مناطق موجود را از تاکیدات برنامه پنجم توسعه بیان کرد و گفت: بیشترین مناطق حاشیه نشین استان در شهرهای گنبدکاووس و گرگان به مساحت ۴۰۵ هکتار و در ۸ منطقه وجود دارد. کمیته راهبری ستاد ملی بازآفرینی شهری گلستان با حضور مدیرکل دفتر بازآفرینی شهری شرکت عمران و بهسازی شهری ایران، مسئولان و کارشناسان اداره کل راه و شهرسازی گلستان و شهرداری گرگان و گنبد در محل شرکت عمران و بهسازی شهری ایران در تهران برگزار شد.

قوه قضاییه پیگیر کلاهبرداری سه هزار میلیارد ریالی در آزادشهر باشد

نماینده مردم شهرستان های آزادشهر و رامیان درمجلس شورای اسلامی بااشاره به کلاهبرداری سه هزار میلیارد ریالی یک شرکت لیزینگ خودرو دراین منطقه، از رئیس قوه قضاییه خواست نسبت به پیگیری موضوع اقدام نماید. به گزارش ایرنا، علیرضا ابراهیمی درجلسه مشترک شورای اداری و نخبگان شهرستان های آزادشهر و رامیان که با حضور رئیس مجلس شورای اسلامی درمحل مصلی نمازجمعه آزادشهر برگزار شد، گفت: این شرکت لیزینگ، سرمایه ۲ هزار نفر از مردم محروم این منطقه را کلاهبرداری کرد. وی از رئیس مجلس شورای اسلامی خواست تا این موضوع را از طریق رئیس قوه قضاییه پیگیری کرده و حقوق بر باد رفته مردم محروم منطقه را که دستشان به جایی بند نیست، استیفا نمایند. ابراهیمی با اشاره به برخی محرومیت ها و کمبودها درحوزه انتخابیه اش، اضافه کرد: با وجود اقدامات خوب درسال های گذشته اما محرومیت شهرستان های آزادشهر و رامیان به اندازه ای است که از جمعیت ۲۰۰ هزار نفری این دو شهرستان، ٦٥ هزار نفر آن زیر پوشش نهادهای حمایتی کمیته امداد و بهزیستی هستند. وی تصریح کرد: بخش کشاورزی منطقه به دلیل نداشتن الگوی کشت خاص، عدم خرید تضمینی برخی محصولات و مشکل کمبود آب کشاورزی و نیز وجود چاه های غیرمجاز با مشکلات عدیده ای روبرو است. نماینده مردم شهرستان های آزادشهر و رامیان درمجلس شورای اسلامی، کمبود مراکز درمانی بویژه مراکز جامع سلامت در برخی از هفت شهر حوزه این دو شهرستان و نیز عدم تجهیز دو بیمارستان حوزه انتخابیه اش را از دیگر مشکلات برشمرد و یادآور شد: با وجود راه اندازی بیمارستان حضرت معصومه (س) آزادشهر در راستای طرح تحول سلامت، اما هنوز این مرکز درمانی تجهیز نشده است. ابراهیمی گفت: علاوه بر این بیمارستان خان به بین نیز با کمبود تجهیزات بیمارستانی مواجه است که امیدواریم در برنامه ششم توسعه به تجهیز بیمارستان های آزادشهر و رامیان توجه جدی شود. وی، نبود زیرساخت های گردشگری درحوزه دو شهرستان آزادشهر و رامیان را از کمبودها و مشکلات دیگر این منطقه برشمرد و افزود: از استان گلستان سالانه ۱۸ میلیون گردشگر به مقصد مشهد مقدس عبور می کنند اما سهم استان از این میزان تردد تنها توقف چند ساعته برخی از مسافران است.

پرداخت تسهیلات برای ایجاد گلخانه در گلستان

مجری طرح گلخانه ها و مشاور وزیر جهادکشاورزی گفت که حدود ٤٨ هزار هکتار از اراضی زیر کشت سبزی و صیفی کشور قابلیت تبدیل به فضای گلخانه ای را دارد که یک سوم آن در برنامه ششم توسعه اجرایی می شود. به گزارش ایرنا سید مصطفی سیدپور اظهار داشت: دو سوم توسعه کشت گلخانه ای نیز در برنامه هفتم لحاظ خواهد شد. به گفته وی، اگر برنامه توسعه کشت گلخانه ای در زمین های زیر کشت سبزی و صیفی در کشور اجرایی شود، ضمن کاهش در میزان مصرف آب، بین ۱۲ تا ۱۰ برابر افزایش بهره وری خواهیم داشت.

وی افزود: اکنون یکی از سیاست های مهم وزارت جهادکشاورزی عملیاتی شدن برنامه های استاندارد سازی تولید کشاورزی، ارتقای سطح تولید و توسعه صنایع تبدیلی و بازاریابی برای صادرات محصول تولیدی بخش کشاورزی است. به گفته سیدپور؛ ۸۵۰ – ۸۰۰ هزار هکتار از اراضی کشاورزی کشور به کشت سبزی و صیفی اختصاص دارد. وی گفت: امسال توسعه کشت گلخانه ای در سطح یکهزار و ۵۵۰ هکتار در کشور برنامه ریزی شده است. سیدپور افزود: شرایط خوبی برای پرداخت تسهیلات در ایجاد گلخانه در مناطق برخوردار و غیربرخوردار در نظر گرفته شده است و به متقاضیان واجد شرایط پرداخت می شود. وی موانع توسعه کشت گلخانه ای را دریافت عوارض توسط دستگاه هایی همچون شهرداری و بخشداری و وجود قوانین دست و پاگیر ذکر کرد و افزود: برای رفع این موانع از جمله در بخش حریم ها از طریق هیات دولت پیگیری های لازم انجام شده و شیوه نامه آن به استان ها برای اجرا ابلاغ شده است. مجری طرح گلخانه ها و مشاور وزیر جهادکشاورزی گفت که تقویت تشکل های تولیدی کشاورزی به منظور استقرار تولید، افزایش کیفیت و استاندارد سازی و بازاریابی برای محصول یک ضرورت به شمار می رود و باید سرمایه گذاری جدی روی آن صورت گیرد. وی افزود: امروز توجه ویژه وزارت جهادکشاورزی در حوزه بازاریابی؛ تقویت بیش از گذشته تشکل های تولیدی کشاورزی است تا از فرصت های به وجود آمده در حوزه صادرات نهایت بهره را برد. به گفته وی؛ سال قبل فضای مناسبی برای صادرات تولیدات کشاورزی به کشور روسیه گشوده شد که به دلیل نداشتن کیفیت متناسب مطابق مصرف این کشور نتوانستیم به خوبی از این فرصت در امر صادرات محصول تولیدی کشاورزی استفاده کنیم.

سیدپور افزود: اکنون برای همه استان های کشور پهنه بندی توسعه کشت گلخانه ای انجام شده و بر روی پایگاه معاونت باغبانی وزارت جهادکشاورزی جهت بهره برداری از این مطالعات قرار گرفته است. وی در خصوص وضعیت کشت گلخانه ای در استان گلستان نیز گفت: گلستان یکی از استان های مستعد برای تولید گلخانه ای به شمار می رود و تاکنون وضعیت خوبی در بهره برداری از این وضعیت نداشته است. مجری طرح گلخانه های وزارت جهاد کشاورزی افزود: با توجه به ظرفیت موجود در حوزه کشت گلخانه ای در گلستان نیاز است همت و عزم جدی برای توسعه آن از سوی مسئولان مرتبط بکار گرفته شود. به گفته وی؛ برنامه ریزی شده است که طی ۱۰ سال یکهزار و ۵۰۰ هکتار فضای گلخانه ای در استان گلستان برای تولید محصول های کشاورزی ایجاد شود.

رئیس سازمان جهادکشاورزی گلستان نیز گفت: باید سیاستگذاری دقیق تر برای تولید کشاورزی و بازاریابی آن داشته باشیم چون با روندی که اکنون در بازاریابی تولیدات استان داریم چیزی عاید توسعه گلستان نمی شود.

مختار مهاجر افزود: برای موفقیت در این کار باید به سمت بازاریابی و ایجاد تشکل های توانمند در بخش کشاورزی استان رفت و کشاورز در فروش محصول تنها نباشد ،چیزی که امروز کشاورزان استان را رنج می دهد.

به گفته وی؛ کشور آذربایجان متقاضی واردات سیب زمینی از استان گلستان است و باید تولید این محصول استانداردسازی شود تا بتوان نیاز کشور درخواست کننده را تامین کرد.

پرداخت وام به طرح های اقتصادی دهیاری های گلستان

مدیر کل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان گفت که دهیاری ها می توانند با ارائه طرح های توجیهی اقتصادی از وام های درآمدزا که در قالب تفاهمنامه کشوری پست بانک و سازمان شهرداری ها و دهیاری ها قابل پرداخت است، استفاده کنند. علی نصیبی در جلسه بررسی مسائل و مشکلات روستاهای شهرستان گمیشان، تصریح کرد: این تسهیلات با سود ۸ درصد ارائه می شود و تاکنون ٦ طرح اقتصادی از سوی استان گلستان به سازمان شهرداری ها و دهیاری ها ارائه شده است.وی افزود: به دهیاری های دارای طرح اقتصادی مناسب تا ۳ برابر بودجه تحقق یافته سال قبل آنها، تسهیلات قابل پرداخت است.نصیبی همچنین از توافق ٤جانبه معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری ،بنیاد علوی ،استانداری گلستان و بانک سینا خبر داد و گفت: بر اساس این تفاهم نامه به طرح های اشتغالزایی روستایی ازیک میلیارد ریال تا۲۰۰ میلیارد ریال تسهیلات با سود ۸ درصد ارائه می شود و تاکنون برای ۲۰ میلیارد تومان طرح توجیهی در نظر گرفته شده و برای مرحله اول از سوی استان ارائه شده است. مدیرکل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان افزود که آمادگی دریافت طرح های دور جدید برای ۲۰ میلیارد تومان اعطایی دوم به استان نیز وجود دارد.به گفته وی؛ دهیاران باید اولویت های روستا را مورد توجه قرار داده و مانده حساب های خود را در پروژه های عمرانی و طرح های درآمد زا در چارچوب قوانین و دستورالعمل ها هزینه کنند.نصیبی، به همکاری صندوق کارآفرینی امید در زمینه طرح های اشتغالزایی اشاره کرد و گفت: صندوق کارآفرینی امید با توجه به تفاهمنامه کشوری با معاونت توسعه روستایی ریاست جمهوری ،طرح های مشارکتی و غیرمشارکتی روستایی را با تخصیص تسهیلات با نرخ سود پایین مورد حمایت قرار می دهد و کارخانه کود آلی ترشیز که در سقرتپه گمیشان طی روزهای گذشته کلنگ آن به زمین خورد ،یکی از این نمونه هاست.وی با تاکید بر پتانسیل های بالای گمیشان در زمینه کارآفرینی و گردشگری اظهار داشت: سامانه کارآفرینی روستایی استان در حال تهیه و راه اندازی است و مقرر گردید نسخه اقتصادی برای ۱۰۰ روستای استان تهیه شود که تعدادی از روستاهای این شهرستان نیز شامل این موضوع خواهند شد.

مدیر کل امور روستایی و شوراها استانداری گلستان همچنین گفت که ۲۱ پروژه عمرانی برای روستاهای شهرستان گمیشان برای سال جاری تعریف شده و در دست اقدام است.وی همچنین تاکید کرد: دهیاران باید مطالبه گری و پیگیری لازم جهت رفع نیازهای روستائیان را مورد نظر قرار دهند و نباید تنها نقش رابط ادارات و دستگاه های اجرایی را داشته باشند.

آگهی مناقصه عمومی

شهرداری گرگان در نظر دارداجرای عملیات پیاده روسازی در محدوده شهرداری منطقه دو را با مبلغ برآورد اولیه ۲/۷۶۹/۴۲۷/۸۵۰ ریال بدون تعدیل بر مبنای فهرست بهاء پایه رشته ابنیه سال ۱۳۹۵، برآورد نقشه و مشخصات فنی پیوست آگهی مناقصه به شرکت های پیمانکاری واجد شرایط واگذار نماید. لذا شرکتهای پیمانکاری دارای گواهینامه پایه رشته ابنیه و ساختمان، راه و ترابری می توانند از تاریخ ۹۵/۹/۲۹ لغایت آخر وقت اداری مورخ ۹۵/۱۰/۱۱ به واحد امور قراردادهای شهرداری به آدرس گرگان ـ میدان شهرداری ـ شهرداری گرگان ـ طبقه سوم و یا به سایت شهرداری گرگان به آدرس اینترنتی WWW.GORGAN.IR مراجعه و ضمن دریافت اسناد مناقصه نسبت به تکمیل و ارائه اسناد در پاکت الف (تضمین شرکت در مناقصه) پاکت ب (اساسنامه، آگهی تاسیس و آخرین تغییرات شرکت، رزومه، صلاحیت پیمانکاری، اسناد و مدارک شرکت در مناقصه) و پاکت ج(پیشنهاد قیمت) به شرح ذیل در مدت زمان تعیین شده در متن آگهی در پاکت لاک و مهر شده به واحد دبیرخانه شهرداری به آدرس: گرگان ـ میدان شهرداری ـ شهرداری گرگان اقدام نمایند.

حسین صادقلو ـ شهردار گرگان   تلفن تماس: ۰۱۷۳۲۲۴۰۷۵۲

آگهی‌های ثبتی

آگهی نوبتی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۹۲۸ – ۹۵/۷/۱۲ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی رمضانعلی شربتی فرزند محمد قاسم در مقدار ۳۷۹۶/۰۴ متر مربع مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۱۲۵ متر مربع پلاک ۳۴۹۹ فرعی از ۴- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی نوکنده) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی از آقای کریم شربتی محرز گردیده است.

۲- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۰۷۳ –۹۵/۸/۱۵ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی شهربانو صباغیان فرزند الیاس در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۱۱۰/۴۷ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۵- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی جفاکنده) که میزان ۲۵/۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه فوق وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی بانو ساره کمانگری محرز گردیده است.

۳- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۰۵۹ – ۹۵/۸/۱۰ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی حسن سیف اله زاده فرزند محمدرا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۸۴/۲۱ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۵ – اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی جفاکنده) که میزان ۲۵/۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه فوق وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی بانو ساره مزنگی محرز گردیده است.

۴- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۹۴۰ – ۹۵/۷/۱۴ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی غلام حسن مخدومی مازندران فرزند عباسقلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۷۶۷/۲۵ متر مربع مفروز و مجزی شده ار پلاک ۸- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی گز شرقی) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای علیجان خبلی محرز گردیده است.

۵- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۰۹۵ –۹۵/۸/۱۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی کریم روح افزایی فرزند ذکریا در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۰۶۴/۶۰ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۱۴- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی کارکنده) که میزان ۷ سهم و ۸ ضرب و سه چهارم سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه فوق وقف عام می باشد خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای حسن سلطانی استرآبادی محرز گردیده است.

۶- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۰۴۱ – ۹۵/۸/۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی علی اکبر طاری دشتی فرزند علی جان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۸۸/۸۸ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۶- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی دشتی کلاته غربی) که میزان ۹ سهم و ۱۸۱ ضرب مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی از آقای علیجان طاری دشتی محرز گردیده است.

۷- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۹۳۲ – ۹۵/۷/۱۲ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی علی اصغر رائیجی یانسری فرزند ابوطالب در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۸۹۷/۰۸ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۹- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی والفرا) که ۲۰/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم از کل ششدانگ عرصه فوق وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی از آقای محمد ابراهیم رائیجی یانه سری محرز گردیده است.

۸- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۰۹۰۴ – ۹۵/۷/۵ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی معصومه جعفری پیته نوئی فرزند علی اصغر در ششدانگ یک قطعه باغ غیرمحصور به مساحت ۴۹۰۳/۰۹ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۶- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی دشتی کلاته غربی) که میزان ۹ سهم و ۱۸۱ ضرب مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای حبیب اله داعی محرز گردیده است.

۹- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۰۴۲ – ۹۵/۸/۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی عباسعلی نکاحی فرزند عزیز در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۱۶۰/۲۲ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۱۰- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی حسین آباد) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی رمضانعلی جزی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تجری – رئیس ثبت اسناد و املاک بندرگز– م.الف: ۷۳۸۳
تاریخ انتشار نوبت اول: دوشنبه ۹۵/۹/۲۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: چهارشنبه ۹۵/۱۰/۱۵

خبر

گرگان میزبان دومین همایش چله با حافظ

معاون فرهنگی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان از برگزاری دومین همایش ‹چله با حافظ› درگرگان خبر داد و گفت: این همایش با حضور اهالی فرهنگ و ادبیات در تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار می شود. قدرت دائمی اظهار داشت: این همایش با حضور دکتر اصغر دادبه استاد دانشگاه تهران و از چهره های سال ۸۱ و اجرای گروه موسیقی نجوای کتول به سرپرستی محمدرضا برزگر عصر ۲۹آذر ماه برگزار خواهد شد.وی با یادآوری مشارکت دستگاه های مختلف فرهنگی در برگزاری این همایش، افزود: اداره کل آموزش و پرورش گلستان و گرگان، گروه آموزشی معلمان زبان ادبیات فارسی استان و شهرستان، دبیرستان دخترانه واثقی و مجتمع آموزشی پسرانه شهید بهشتی تیزهوشان گرگان در برگزاری این همایش همکاری دارند.دومین همایش ‹چله با حافظ› با مشارکت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان و انجمن علمی – آموزشی معلمان ادبیات استان ساعت ۱٦ روز دوشنبه در تالار فخرالدین اسعد گرگانی برگزار می شود.

دبیر مجمع نمایندگان گلستان:
گلستان در اغلب شاخص های توسعه؛ استانی کم برخوردار است

دبیر مجمع نمایندگان گلستان گفت: تصمیمات نادرست و غیرکارشناسی ادوار گذشته ، نبود صنایع بزرگ و وعده های تحقق نیافته متعدد از عوامل اصلی توسعه نیافتگی و سطح پایین درآمد سرانه مردم این استان است.به گزارش ایرنا رامین نورقلی پور در شورای اداری گلستان که با حضور علی لاریجانی رییس مجلس شورای اسلامی برگزار شد، اظهار کرد: یکی از نیازهای اصلی برای برطرف شدن این مشکلات تغییر نگرش در واگذاری امکانات لازم به گلستان و حرکت استان به سوی توسعه صنعتی است. نماینده مردم شهرستانهای بندرگز، گمیشان، بندرترکمن و کردکوی بیان کرد: توسعه امکانات و زیرساخت های گردشگری در جزیره آشوراده یکی از نیازها و انتظارات برای بهبود شرایط اقتصادی گلستان است. نورقلی پورافزود: اگر چه آشوراده در غرب گلستان قرار دارد اما در صورت اجرای طرح گردشگری در جزیره نفع و فایده آن همه مناطق استان را در بر خواهد گرفت.

وی با بیان اینکه یکی دیگر از بخش های نیازمند تحول گسترده و زیربنایی گلستان، لزوم تغییرات اساسی در بخش کشاورزی استان است، بیان کرد: کشاورزی منبع درآمد بخش زیادی از مردم منطقه است اما هنوز فکری برای کنارگذاشتن تفکر و تغییرات سنتی و به کار گیری تجهیزات جدید نشده است.نماینده مردم غرب گلستان بیان کرد: توسعه صنایع مرتبط با کشاورزی و همچنین راه اندازی صنایع سنگین تدابیری است که می تواند اقتصاد ضعیف و کم برخوردار استان را با پیشرفت قابل ملاحظه ای همراه کند.نورقلی پورگفت: گلستان همواره با سرسبزی و طبیعت زیبایش شناخته می شود اما بخش زیادی از زمین های استان به دلیل مشکلات ناشی از کم شدن تدریجی آب خلیج گرگان و برخی عوامل طبیعی دیگر در حال بیابان شدن است.وی توسعه سایت پرورش میگو گمیشان را ضروری دانست و گفت: قابلیت های فراوان گلستان در توسعه پرورش میگو و برنامه ریزی برای صادرات آبزیان می تواند مشکل بیکاری بخشی از جوانان استان را برطرف کند.

پژوهشگر گلستانی رتبه نخست پژوهش های مردم شناسی را کسب کرد

پژوهشگر گلستانی و رئیس میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری گمیشان به عنوان پژوهشگر برتر در پژوهش های مردم شناسی کشور انتخاب و مورد تجلیل قرار گرفت. زلیخا قرنجیک با پژوهشی با موضوع دعا نویسان طوایف مقدس ترکمن به عنوان پژوهشگر برتر کشوری انتخاب شد. قرنجیک اظهار داشت: این پژوهش با عنوان کامل ‹نقش دعا نویسان طوایف مقدس ترکمن ها در درمان بیماری و با مقایسه تطبیقی بین قوم های آتا و خوجه› به پژوهشگاه مردم شناسی ارائه شد و رتبه نخست را به خود اختصاص داد.

زادروز سید جواد طباطبایی فیلسوف ایرانی

سید جواد طباطبایی در ۲۳آذر۱۳۲٤ه.ش در تبریز زاده شد.در کودکی پدر خود را از دست داد. در نزد عموی خود مقدمات فلسفه و زبان عربی را یاد گرفت و در مدرسه فردوسی تبریز به دبستان رفت. بعدها به تهران آمد و در رشته فلسفه به ادامه تحصیل مشغول شد.پس از اخذ لیسانس حقوق از دانشکده حقوق و علوم سیاسی به فرانسه رفت و در دانشگاه سوربن به ادامه تحصیل پرداخت و با اخذ دیپلم مطالعات عالی D.E.S از رشته فلسفه سیاسی فارغ‌التحصیل شد. در سال ۱۳٦۳ با نوشتن رساله‌ای درباره «تکوین اندیشه سیاسی هگل جوان»، با دریافت درجه ممتاز دکترای دولتی در رشته فلسفه سیاست به ایران بازگشت. پس از بازگشت به عضویت هیئت علمی درآمد و معاون پژوهشی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شد. این استاد فلسفه سیاست پروژه فکری خویش را در حوزه ایران و غرب باهم به پیش برده است. پروژه ایران وی که شامل ۷جلد کتا درمورد سیر تطور اندیشه در ایران بعد از اسلام تا زمان معاصر است هنوز تکمیل نشده است. ایشان در حوزه اندیشه فلسفه در غرب هم عموما به بررسی فیلسوفان کلاسیک نظر دارد و بر آن است که از دریچه تاملات فلسفی در اروپا و طرح سوالات فلاسفه اروپا درمورد وضع دوران خود به واکاوی ابعاد اندیشه در سیر سنت ایرانی بپردازد. این فیلسوف ایرانی به دریافت جایزه نخل طلایی از دولت فرانسه و مدال نقره تحقیقات در علم سیاست از دانشگاه کمبریج نائل آمده و هم اکنون مدیر بخش فلسفه در بنیاد دایره المعارف اسلامی است

روند اهل نظر از پی نابینایی

صادق پیوسته ـ به روزگاری که آسیب‌شناسی، سکه‌ی رایج بازار سخن است، اگر بپرسید آن آسیب‌ندیده چیست، گویی سایش سنگ‌های چخماق را در انبار پنبه آزموده‌اید. آسیب‌شناسی از آنجا محتوای رسانه‌ها و همایش‌ها و نمایش‌ها را یکسره اندوده است که هر چه را نمی‌پسندند، آسیب می‌پندارند حال آن که آسیب، خدشه به سلامت است و پیش از سخن گفتن از آن، باید معیاری برای تشخیص فراهم آورد. معیاری که توافقی نسبی بر آن وجود داشته باشد و آسیب‌دیدن و ندیدن را جدا کند اما بازار مکاره‌ی آسیب‌شناسی در کشور ما این حرف‌ها را بر نمی‌تابد چرا که به اندازه‌ی کافی فروشنده، خریدار و به حد کمال، رقابت دارد و با قوانین بازار آزاد پیش می‌رود. غایب در این میان، جامعه است که اینان به آسیب‌شناسی آن مشغول هستند. جمع به تو مشغول و تو غایب ز میانه! در این میانه اما جواد طباطبایی، ایده‌ای تازه دارد. ایده‌ای که گرچه چند دهه است، وارون عادت‌واره‌ی اهالی دانشگاه در ایران امروزی، به صدها زبان در سخن است و تداوم دارد، شنوندگانی اندک می‌یابد. این ایده، شناخت انحطاط در ایران معاصر است یعنی این که ببینیم چرا امر جدید در این کشور با همه‌ی تقلای جامعه در کسب عناصر جدید در کشورهای موفق، بر شانه‌های امر قدیم نمی‌ایستد؟ چرا سنتی از تجدد ایرانی صورت نمی‌بندد و چرا نسیم ایرانشهری را که در گذر از باغستان‌ها و داغستان‌هایاسلامی، یونانی و غرب مدرن، بویی مرکب گرفته و چنین درازآهنگ در طول تاریخ پایسته و ملت ایران را پیش از پیدایش ملت‌های پیش‌مدرن و نژادپایه‌ی غربی ساخته است، چنین از پای فتاده می‌یابیم؟

طباطبایی همین سیاست بی‌قاعده و رأس‌محور ایرانی را، همین باستان‌گرایی نامتوازن دیروزی و اسلام‌گرایی جهان‌وطنی امروزی را و همین کشتی‌شکستگی ما در توفان توسعه‌ها را شاهد می‌گیرد بر این که ما، این مای ایرانی را نمی‌شناسیم و به نظریه‌ای برای شناخت آن نیازمندیم. ایران، با تمام کامیابی و ناکامی‌هایش اگر نتواند تاریخی در نسبت با تاریخ جهان و اندیشه‌ای در نسبت با اندیشه‌های رقیب داشته باشد، که ندارد، ره در انحطاط می‌پیماید. حال، چه آن که همه مختصات ما را در مقایسه با مختصات مدرن‌های غرب، آسیب می‌نامد و چه آن که وجود انحطاط را انکار می‌کند، هر دو نشانه‌ی انحطاط اند. شگفت این که مدعای آسیب‌شناختن در ایران از گرفتاران همین انحطاط بر می‌خیزد. اگر غرب در سنت یوتوپیاسازی خود همواره در بحران انحطاط بوده است و به شکلی کارآمد خود را آسیب‌شناسی کرده است، در مقابل، ما پذیرش انحطاط ملی که دیباچه‌ی چاره‌اندیشی برای رستن از آن است را با ایده‌هایی فرافکنانه همچون بازگشت به خویشتن، انواع جهان‌وطن گرایی و مانند این‌ها عقب انداخته‌ایم. گویی می‌خواهیم پرسش از چیستیِ ایران و ایرانی‌بودن را در میان پرسش‌هایی انحرافی فراموش کنیم اما این مسأله‌ی اساسی، فراموش‌شدنی نیست. حوادث این روزها نشان می‌دهد که با دسیسه‌های مختلف همچون قومیت‌گرایی در میان مردمی که همواره ایرانی بوده‌اند و «قومیت»شدن‌آنان چیزی جز غفلت از همین مسأله‌ی اساسی نیست، پیامدهای این فراموشی سراغ ما خواهد آمد. این فراموشی، هشدار طباطبایی در بیش از دو دهه پیش بود و کاش جدی‌تر گرفته می‌شد. آثار دکتر طباطبایی سرشار از این ژرف‌اندیشی‌هاست و به همین دلیل، هیچ پژوهشگری که در گرو ایران داشته، بی‌نیاز از آثار وی نبوده است و احتمالا نخواهدبود.

مدرس دانشگاه علامه طباطبایی

ایران در نظریه طباطبایی

مصطفی نصیری

«ایران» چیزی نیست که طباطبایی آن را تصادفی، یا از رهگذر تحصیلات و انتخاب موضوع پایان نامه، یا بر اثر یک الهام، یا یک جرقه و بارقه، یا به‌هر دلیلی دیگر، آن را به‌عنوان «موضوع» تحقیق، بل دغدغه همیشگی خود برگزیده باشد، بلکه ایران موضوعی است که به‌تحصیلات و تحقیقات وی، از اول تاکنون ـ و احتمالاً تا آخرـ جهت داده است. آن طور که از خود طباطبایی شنیده ام، ذهن وی از دوران خرد سالی به «ایران»، به عنوان یک «مشکل» توجه یافته بود. داستان از این قرار است که وی در خردسالی، ایامی که کلیت و یکپارچگی ایران در اثر اشغال بخش هایی از کشور توسط روس در معرض خطر بود، همراه عموی خود، در بازار تبریز، در محافلی حضور می یافت که برخی وجوه تبریز، اعم از تاجر و معلم و فقیه و .... در آن جمع شده و در باره اشغال ایران و سایر وقایع اتفاقیه مرتبط با آن بحث و اظهار نظر می کردند. طباطبایی می گوید وقتی می دیدم که این شخصیت های قابل احترام، هرباری که به هم می رسند با چه نگرانی در باره ایران و آینده آن صحبت می کنند، احساس می کردم که اینجا «مشکلی» وجود دارد. بی شک طباطبایی در آن سن ـ و ـ سال نمی توانست تصور روشنی از این مشکل داشته باشد، و اصولا درکی که از «مشکل» ایران در آن سال ها در ضمیر ناخودآگاه طباطبایی رسوب می کرد، هیچ اشتراکی ـ جز لفظی ـ با «مشکل» در معنی «پرابلم» نداشت، اما ترس و نگرانی که آن روزها در ضمیر ناخودآگاه طباطبایی انباشته می شد، در سال های بعد، همه لایه های روح و روان وی را تحت تاثیر خود قرار داد، آن چنان که که غلبه بر (آن/این) مشکل تنها هدفِ «هست» و «بود» او شده است، طوری که حتی امروز هم وقتی در باره ایران صحبت می کند یا می نویسد، براحتی می توان معالم یک ترس و نگرانی ژرف و ریشه دار را در کلمات وی احساس کرد. باری، بهترین بیانی که می توانم در باره رابطه میان طباطبایی و ایران ارائه کنم این است که با تصرفی در شعر سعدی، که بواسطه طباطبایی با تفسیری ایرانشهری از آن آشنا شده ام، از زبان طباطبایی بگویم: «ماگدایان‌خیل سلطانیم/شهربندهوای«ایرانیم»/هرچه‌گفتیم جز حکایت «ایران»/در همه عمر از آن پشیمانیم» با این فرق که طباطبایی به خلاف سعدی، «در همه عمر» چیزی جز حکایت «دوست» که همان ایران است، نگفته تا از آن اظهار «پشیمان»ی کند. کسانی که تعلق اندیشه طباطبایی به کشوری‌به‌نام‌ایران‌را«ناسیونالیسم»می‌شمارند، البته‌منظور ناسیونالیسمی است که در سده های نوزده و بیست به یک ایدئولوژی برای تسویه حساب های خونین قومی تبدیل شد، در این نکته درنگ نکرده اند که فلسفه عموماً، چنان که گفته آمد، حتی آن‌جا که در متافیزیک تامل می کند، تأمل در باره زمان و مکان یک قوم است که به کلی ترین صورت بیان شده است. خام‌اندیشی است که گمان کنیم میان متافیزیک که در آسمان سیر می‌کند، و فیزیک که سیرش در کنه ماده است، رابطه‌ای برقرار نیست، مگر نه این است که فیلسوف برای سیر در آسمان هم باید پایش بر موضعی صلب در زمین استوار باشد؟ اگر تاملات، یا دقیق‌تر، تخیلات کسانی که‌طباطبایی‌رابه‌ناسیونالیسم یاهگلی بودن متهم می‌کنند مقید و محدد به قومی در زمانی و مکانی مشخص نیست، باید بدانند که تاملا‌تشان حتما فلسفی نیست. فیلسوفانی که بدون تصور یک انسان یا انسان هایی معیّن و مشخص، در باره انسانیت نظریه می دهند بمثابه شیران «بی یال و دم و اشکمی» هستند که آفریده نشده اند. آن‌چنان‌که انسان در «مثنوی» این‌گونه است که در عین واحد، هم رومی و هم زنگی مورد خطاب مولوی هستند.

پژوهنده اندیشه ایرانشهری

فیلسوفِ ستیزنده

محمد رضا طادی – هفتاد سال از تولد سیدجواد طباطبایی گذشت و امسال در حالی هفتاد و یکمین سالروز تولد او را به جشن گرفته‌اند که صف دشمن کیشان و بت تراشان او بیش از پیش منسجم تر شده است.در دهه‌ای که گذشت با زوال سروشیسم، تبِ تندِ اندیشهٔ ایرانشهری جایگزین عرفان غزالی مآب شیخِ سابق و محتسب اسبق شده،و در حالی که علی رغم این که هر دو زادهٔ یک روز اند – ۱۳۲٤/۹/۲٤ – امّا امسال غیر از تبریکی خُشک و خالی از جانب پسر به پدر خبری از تجلیل از سروش نبود،آن هم در احوالاتی که صدای مخالفان و موافقان دکتر سیدجواد طباطبایی گوش فلک را پُر کرده است:مشتاقان برای سالروز تولدش جشن نامه‌ای تدارک دیده‌اند،و مخالفان کما کان تیغ‌های آبدیده را کشیده نگه داشته و باب گفتگو را بسته و تضارب آراء را به ترور واژه‌ها فروکاسته‌اند.

امّا فیلسوفِ ستیزنده‌ای که از دیار آذربایجان آمده تا راوی آتش مقدسِ تاریخ ایرانزمین و احیاگر میراث ایران باطنی باشد،چه کرده است که این چنین اقیانوس‌های موّاج حبّ و بُغض را برانگیخته است؟متفکری پُر آوازه و تقریباً کم کار(فقط ۱۰ کتاب)،امّا با گسترهٔ تاثیر گذاری فوق العاده و اعجاب برانگیز که توانسته بر فضای فکری معاصر سلطنتی بی بدیل بر پا کند.سیدجواد طباطبایی از جهات بسیاری در تاریخ اندیشهٔ ما بی نظیر است.او یگانه متفکری است که توانسته«نظریهٔ‌ایران»را‌مطرح کند،و بازخوانی تاریخ‌اندیشه در ایران را موضوعی مندرج در تحت مقولهٔ «ایران» بداند. او با چنین نقطهٔ عزیمتی توانسته از تاریخنگاری اروپایی و وام گیری مفاهیم و مُفردات آن اِعراض کند و بجای بسط و تعمیم نابجای مفاهیم غربی بر تاریخ تمدن ایرانی،تلاش نموده تا مفاهیم این تاریخ را از دل خود آن استخراج کند و ایران را با تاریخ ایران قرائت کند.

او با طرح نظریّهٔ امتناع اندیشهٔ سیاسی ناگاه آب بر خوابگه مورچگان ریخته و رخوت و رکود هزاره‌ای را بر آنان برآشفته است.نظریهٔ امتناع – سوای از پذیرش انسجام منطقی/عینی آن – طرح پرسشی بود که روشنفکران چپ و راست و نظریات مالیخولیای تبیینی شان را سلاخی کرد. استاد از پی نظریهٔ امتناع نظریهٔ بلندپروازانه تر انحطاط ایران را پیش نهاد تا این خطر را گوشزد کند که این بار از پس فروپاشی ایرانزمین برخاستنی ازققنوس تاریخی‌اش نخواهد بود،لذا بر ماست تا قبل از فوت این آخرین فرصت‌ها کاری بکنیم و با بازخوانی گذشته راهی به آینده بگشاییم.

«جدال قدیم و جدیم» و معرفی فلسفهٔ تاریخ پیوست و جامعه شناسی مفاهیم که می توانست راهی به سوی مدرنیته‌ای درونزاد و «شرایط امکانی تاسیس» را فراهم کند،پُتک سهمگین دیگری بود که استاد بر خانهٔ موریانه خوردهٔ روشنفکری معاصر کوبید.عظمت طرح جدال قدیم و جدید چُنان شکوهمند بود که حتی مخالفان را به ستایش برانگیخت.سیطرهٔ بلا منازع بر تاریخ اندیشهٔ غربی،اِشرافی مثال زدنی بر چند زبان زندهٔ دنیا،تَتبعی جامع در میراث تمدنی ایران زمین،با قلمی فریبا و خیال انگیز،که همگی در شخصیتی ستیهنده و ستیزنده پیچیده شده از سیدجواد طباطبایی شوالیهٔ بی نظیری آفریده که شهسوار خیالِ آکادمیک بسیاری از ما بوده است.چنین معجون حیرت انگیزی از انسجام ذهن و زبان،و شجاعت و جسارت در بیان، به شکل گیری فلسفهٔ گزنده‌ای منتهی شده که اتفاقاً با توجه به تحولات جامعه شناختی اخیر به خوبی با گسست‌های ایدئولوژیک جامعهٔ ایران منطبق شده و اقبال دو چندان یافته است.فلذا در چنین فضایی استاد و اندیشهٔ ایرانشهری در کانون مجادلات روشنفکری ایران قرار گرفته و توانسته است تا تمام رقبا،از جمله سروش گرایی را،به باد نسیان بسپارد.امّا مع الوصف،استاد جز در آستانهٔ پرسش از ایران نتوانسته است که بایستد،اگرچه«آنجا ایستادن نیز خود کاری بَس سَترگ استَ» که کسی را یارای ایستادن در آن آستان نبود،آنجا که بادِ سموم نابودی ایران وزیدن گرفته بود و در آن طوفان بنیان کَن جزَ او را مرد این راه نبود.

استاد بَر آستانه ایستاده و چیزی را شهود کرده که گاه به زبان نمی آید.لذا همان گونه که خود بارها گفته گنگ خوابیده‌ای است که می خواهد شهوداتِ مثالین خود را برای شهرِ کَران روایت کند،آن هم با زبانِی که گاه گنگ و الکن استَ،و شاید از پس این گنگی است که خشم و خشونت بر زبان و قلم او جاری می شود.امّا رندانه می توان گفت که وجود استاد خود دلیلی خدشه ناپذیر له حقانیّت نظریات اوست،بویژه اصلی ترین نظریهٔ او،که به همان نیز نامبُردار گشته،یعنی زوال اندیشهٔ سیاسی در ایران.همین که از پسِ قرن‌ها کسی برآمده که بدون هیچ نظریه‌ای فلسفی صرفاً برای چند کتاب تفسیری فیلسوف خوانده می شود و غوغای هَل من مبارزش شهر را پُر می کند،دلیلی طنزآمیز بر همان مدعای پیش گفته است.طرفه حکایتی است که امّتِ این پیامبر آخرالزمانی ما،تنی چند از اصحابِ مطبوعات‌اند که جز تندگویی چیزی از خرمن فضل استاد نچیده‌اند.امّا به هر روی این حقیقتی یقینی و غیر قابل انکار است که استاد طباطبایی در چُنان ستیغ بی تکراری ایستاده است که بعید می نُماید تا آینده‌ای نزدیک دیگر مادر گیتی همچو او دردانه‌ای بزاید.

دکتری تاریخ اندیشه سیاسی

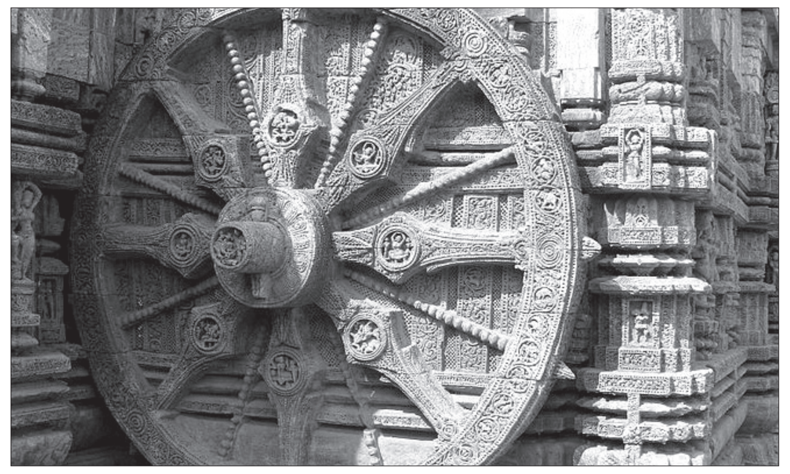

جوادطباطبایی و نظام آموزش عالی در کشور ما

آرش لطفی ـ از دیدگاه یک دانشجوی سابق علوم و تازه‌وارد علوم انسانی که تابه‌حال این رشته را از بیرون دانشگاه دنبال کرده بودم، مشاهده برخی پدیده‌ها بسیار عجیب و غیرقابل‌باور است. اینکه اساتیدی که مطالعات یک بخش از دنیا – برای نمونه روسیه یا خاورمیانه– را بر عهده دارند، زبان رایج این مناطق را به اندازه کافی نمی‌دانند یا اینکه حتی تعریف نیمه‌دقیقی از عنوان درسی که برای آموزش آن حقوق می‌گیرند تا آخر ترم ارائه نمی‌دهند یا اینکه بنا به یک اشتباه بسیار جزئی (حواس‌پرتی) درسی را قبل از پیش‌نیازش در دانشگاه ارائه می‌دهند؛ طوری که نه استاد می‌فهمد باید چه کار کند و نه دانشجویان می‌فهمند که موضوع کلاس چیست، این‌ها فقط قسمت ناچیزی از وضعیت عجیب‌وغریبی است که با آن مواجه شدم. ولی عجیب‌ترین پدیده برایم کتاب‌هایی است که به‌عنوان منابع درسی در کلاس‌ها به دانشجویان معرفی می‌شود. علی‌رغم تأکید اساتید در انتخاب منابع معتبر برای مطالعه بیشتر و بهتر از همه عالم و آدم در اقصی نقاط جهان که حتی فقط یک کتاب درمورد ایران نوشته‌اند منبع معرفی می‌شود، غیر از کتاب‌های دکتر طباطبایی. چطور می‌شود فردی بعد از حدوداً چهل سال پژوهش نظام‌مند، با مطالعه و پژوهش درمورد علم سیاست به ٦ زبان مهم دنیا، فقط سعی در طرح چند پرسش کند و اندیشمندی که برای طرح این پرسش‌ها چند هزار صفحه نوشتهِ چند بار ویراسته‌شده و صدها صفحه مقاله و مصاحبهٔ دارد، باید برای اساتید دانشگاه ناشناخته باشد و مطالب اشخاص دیگر که یک روز درمورد آلودگی هوا مصاحبه می‌کنند و روز دیگر فوتبال در مرکز مطالعات آن‌هاست، برایشان مهم باشد؟ در برخی دانشگاه‌ها، دانشجویان علم سیاست حتی در مقطع دکتری اسم طباطبایی را نشنیده‌اند. البته که می‌توان دانشجوی ضعیف و ناآگاه بود، ولی استاد دانشگاه ضعیف بودن جرم است و نتیجه آن فارغ‌التحصیلان کم‌سواد، افسرده و پرمدعاست. امروزه اغلب دانشگاهی‌های علوم، حتی نمی‌توانند ارجاعات آخر کتاب‌های طباطبایی را روخوانی کنند.اما طباطبایی در علم فردی متعهد است و همین تعهد او به علم و دانشجوست که اظهارنظرهای او را صریح و بی‌پرده کرده است. او خود در مقدمه یکی از کتاب‌هایش نوشته که به ناکامل‌بودن آثار خود آگاه است، ولی هیچ‌گاه اهل تفنن در پژوهش خود نبوده و این ادعا را علیه خود نمی‌پذیرد. هیچ نظریه‌ای بدون نقد اساسی مستحکم نمی‌گردد و البته درباره آثار طباطبایی باید دانست تا به حداقل ابزار او – یعنی مراجعه به متون اساسی به زبان اصلی آن‌ها– مسلح نشد، باید ساکت بود و به درس‌خواندن ادامه داد. امیدوارم سایه این دانشمند بزرگ که یک‌تنه بیشتر از تمام دانشکده‌های علوم انسانی در ایران علم تولید کرده، بر سر ما مستدام بماند.

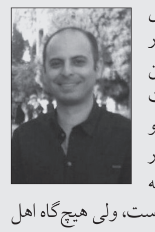

پژوهشگر تاریخ اندیشه

یادداشت

جواد طباطبایی و آگاهی به ایستادنگاه ایرانی

مسعود دباغی

طی چند دهه اخیر، روشنفکران وطنی که از آدرس چند ایدئولوژی خاص، مگر در کارزار قدرت، محل نزاع مشترکی نداشتند، با خرده‌آگاهی‌ای که می‌توانستند از وجود بحران در تمدن ایرانی داشته باشند، به پیچیدن نسخه‌های «چه‌بایدکرد؟» آغازیدند. آن‌ها غافل بودند از اینکه شمشیرهای برآنشان در آوردگاه پیکارهای سیاسی و در ساحت اندیشه نه‌تنها چوبین می‌نمود، بلکه مرتفع‌کردن گسل‌های آشتی‌ناپذیرِ برآمده از گسست تاریخیِ دو ساحت عملَ و نظر در ایران، نیازمند تأملاتی ژرف بود که متفکران این قوم، در جهل از سنت و ناآگاهی از سرشت مدرنیته غربی، فاقد ظرفیت لازم برای درک آن بودند. چنین بود که با دامن‌زدن به نظریاتی چون «استعمار»، با «چه باید کرد» «اتحاد اسلام»، انواع توهم توطئه قدرت مخفی یهود، امپریالیسم، انگلیس و فراماسونری، اقسام ایدئولوژی‌های جامعه‌شناسانه، نیز آراء پست‌مدرنی که تلقی ما از تاریخمان را هدف قرار داده و همچنین مارکسیسم مبتذل که اثرات پیدا و پنهان آن را می‌توان در لابه‌لای اندیشه هر ایرانی مشاهده کرد، به ویران‌کردن دستاوردهای نهال نوپای جدید در قدیم ایران نشستند تا خود به‌عنوانِ بهترینَ نشانه انحطاط تاریخی ایران در حافظه تاریخ ثبت شوند. بدیهی است چنانچه موضوع تأمل ما «ایران» باشد، تنها کسی می‌تواند از موضعی در باب آن دفاع کند که در جایی ایستاده باشد و هنر دکتر طباطبایی در آن است که اندیشه غربی را در ژرف‌ترین شکل خود منضم به ایستادنگاه ما مطرح می‌کند، نه چون مخدرهای ایدئولوژیکی با آگاهی کاذب و انتزاعی و نه چون نظریات روشنفکران ما که خلاف مسیر روشنگری انقلاب مشروطه به سوی ارتجاع می‌تاختند و در هرکجا از هاوانای ۱۹۵۹، بارسلونای۱۹۳۷، صدر خلافت، شمال آفریقا ایستاده بودند جز ایران. تا کنون واردات اندیشه غربی (که جز با امکانات آن نمی‌توانیم در سنت روبه‌نابودی خود بیندیشیم) نه‌تنها دررابطه‌با پرسیدن ما از ایستادنگاهمان نبوده، بلکه از اساس ما را بسان سربازی در خدمت پیکارهای ایدئولوژیکی دیگر مردمان قرار داده است. باری زادروز دکتر طباطبایی را ارج می‌نهیم، چراکه زبانِ ژرف و گویای آن چیزی است که بسیاریِ از ما در سطحی نازل به شهود می‌دیدیم، اما توان بیان آن را نداشتیم؛ اگر نخواهم بگویم که نگرش شهودی ما به ایران چنان آلوده به ایدئولوژی بود که ره به ترکستان می‌زد. چنین است که اگر بخت ما را یار باشد، آگاهی از بحران و تأمل ژرف نظری در باب آن باید بتواند ما را در آستانه بایستاند.

پژوهشگر تاریخ‌اندیشه

یادداشت

یک اشتباه رایج درباره اندیشه طباطبایی

محمد ایمانی

نکتهٔ مهمی که برای جلوگیری‌ازسوءتفاهم‌های رایج‌دربارهٔ‌اندیشهٔ‌طباطبایی باید گفت این دقیقه است که نظریهٔ طباطبایی حول محور مشکل ایران مندرج در هیچ یک از نظام‌های اندیشیدن غربی نیست، و «به این اعتبار» نه می‌توان او را فیلسوفی هگلی دانست و نه اندیشمندی غربگرا. ساده‌لوحی خواهد بود اگر سخن او مبنی بر «تنقیح» نظام مفاهیم اندیشهٔ سیاسی اروپایی را که عمدتاً فهمیده نمی‌شود، معادل «تقلید» از نظام اندیشیدن اروپایی بدانیم. هرچند، همان‌طور که او نزدیک به دو دههٔ پیش در جایی گفته بود، ما چاره‌ای جز «تأسیس» نداریم حتّی اگر آن را از غرب اتّخاذ کنیم، امّا اگر کلّیت مجموعهٔ آثار طباطبایی را در ارتباط با یکدیگر مورد مداقّه قرار دهیم، در آن‌ها شیوه‌ای از اندیشیدن را می‌یابیم که او چندی پیش آن را «استراتژیک» خوانده است. بر همین اساس، و با توجّه به محور اندیشهٔ طباطبایی، یعنی «مشکل ایران»، اندیشهٔ او مندرج در نظامی از اندیشیدن ایرانی است، که خود او از نو سامان بخشیده است. «اندیشهٔ ایرانشهری» از ترکیبات پربسامد در آثار طباطبایی است و آثار او گواه توجّه جدّیِ او به سرشت و محتوای اندیشهٔ ایرانشهریَ است. او به‌درستی تداوم اندیشهٔ ایرانشهری را در سراسر تاریخ ایران در آثار خود نشان داده است و در «تداوم در زوال اندیشه و انحطاط تاریخی» و فقراتی دیگر به نقد آن نیز پرداخته است. او در دیباچه‌ای بر نظریهٔ انحطاط ایران می‌نویسد: «اگرچه اندیشهٔ سیاسی ایرانشهری در ایران دورهٔ اسلامی تداوم پیدا کرد، امّا در گذر دگرگونی‌های تاریخی، جنبه‌های آرمانی آن یکسره از میان رفت و به نظریهٔ سلطنت مطلقه تبدیل شد». من این‌جا، به احترام دکتر طباطبایی، به طرح ایده‌ای جدید خطر می‌کنم و بحث بر سر شرایط امکان آن را به بحث و نقد اهل نظر در آینده واگذار می‌کنم. ایده‌ای که در اینجا می‌خواهم به طرح آن بپردازم و آن را در حین مطالعه و غوررَسی در آثار دکتر طباطبایی و با الهام از «نوزایش ایران» در گوشه‌ای مکتوب کرده‌ام، طرح احیاء و «تجدید» اندیشهٔ ایرانشهری به عنوان اندیشهٔ سیاسی جدید ایران و با توجه به مختصّات ویژهٔ ایران است. اندیشهٔ ایرانشهری ناحیه‌ای از تاریخ اندیشهٔ سیاسی است که چون خارج از محدودهٔ‌اندیشهٔ‌سیاسی غربی قرار گرفته است، دربارهٔ آن تحقیقات چندانی نشده است، امّا نبود تحقیقات کافی دربارهٔ آن، دلیلی بر نادیده انگاشتن آن در تأسیس اندیشهٔ سیاسی جدید ایران نمی‌تواند باشد. اگر اندیشهٔ ایرانشهری در دورهٔ اسلامی در گذر دگرگونی‌های تاریخی به نظریهٔ سلطنت مطلقه تبدیل شد، می‌توان امروز با بازگشت به سرآغازهای آن، «تالیفی نوآئین» از آن به دست داد، که پاسخگوی پرسش‌های امروز ما با توجّه به مختصّات «ویژه»ی ایران باشد. احیاء و تجدید اندیشهٔ ایرانشهری، هرگز به معنی بازگشت به گذشته، که به هر حال غیرممکن است، نیست بلکه در معنایی که من از احیاء و تجدید به کار می‌برم، به محک مختصّات دنیای جدید زدن و آشتی دادن آن با نظام فلسفهٔ سیاسی جدید از طریق تألیَفی (سنتزی) مبتنی بر تأمّل فلسفی و نقد فلسفی است. در این احیاء صرفا به اندیشهٔ ایرانشهری به عنوان یکی از نصوص فرهنگ ایرانی اکتفا نمی‌شود، بلکه بر مبنای همین نقد و تأمّل فلسفی، نصّ فلسفی (از فارابی تا ابن سینا و ابن رشد) و نصّ دینی نیز مورد تأمّل فلسفی و انتقادی قرار می‌گیرند و به محک مقتضیّات تجدّد می‌خورند. هرمان بنگستون و یوزف ویزهوفر، که تفسیر سخن آن‌ها را به تفصیل در جایَ دیگری آورده‌ام، بر این عقیده هستند که اگر سقراط و برآمدن فردیّت در یونان منجر به سقوط پولیس شد، ظهور قومیّت و قبیله‌گرایی و تلاش برای از بین بردن کثرت و تنوّع منجر به سقوط تمدّن ایرانی شد. غفلت بسیاری از محققّان، از تمایز بین پولیس و ایرانشهر در «وسعت قلمرو»، «جمعیّت»، «تنوّع قومی و مذهبی و زبانی»، «عظمت» و سرشت حاکم بر نظم سیاسی ایران، سال‌های طولانی راه تأمّل بر نظام اندیشهٔ سیاسی متمایز ایران از اندیشهٔ سیاسی یونانی را بسته بود، حال آن‌که تعریف سیاست، بویژه با دوران جدید و برآمدن «دولت مدرن»، به واسطهٔ عواملی که در بالا اشاره شد، دستخوش دگرگونی بنیادین شد. از این منظر، نظریهٔ انحطاط ایران باید بتواند با توجّه به سرشت یگانهٔ ایران، علل انحطاط ایران باستان را بر اساس ویژگی‌های آن تدوین کند و با تبیین تفاوت بین نظام اندیشهٔ سیاسی ایرانشهری یا نظام اندیشهٔ سیاسی یونانی و اروپایی، به تأسیس نظام‌مند اندیشهٔ سیاسی جدید ایران از گذر تجدید آن اقدام کند. این مهم بدون بازخوانی و تأمّل در مواد نوشته و نانوشتهٔ اندیشهٔ سیاسی ایرانشهری و با توجّه به مباحث و مسائل اندیشهٔ سیاسی جدید ممکنِ نیست. چنین دانش نوبنیادی بدون شکّ نیازمند تسلّط کامل بر اندیشهٔ سیاسی جدید اروپا و زمینهٔ تاریخی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، دینی، اقتصادی و اجتماعی آن از یک سو، و شناخت دقیق و عمیق از مشکلات و مسائل ایران زمین و تاریخ آن از سوی دیگر است، تا بتواند «جای ـ گاه» بحث دربارهٔ «مشکل ایران»، سرشت سیاسی آن، موضوعات و مسائل آن، و نظام اندیشهٔ سیاسیِ درخورِ آن را تعیین کند.

دکتری فلسفه سیاسی